

ماهیت عدالت و موارد کاربرد آن در خانواده (با تأکید بر موضوع تعدد زوجات)*

- منصوره شاکری**
- محسن ملک افضلی***
- ابوذر صانعی****

چکیده

عدالت به معنای نهادن هر چیز در جایگاه خود، از والاترین ارزش‌های انسانی و اصلی‌ترین مبانی حقوق و اخلاق است که در تمام شئون زندگی از جمله خانواده، حضوری برجسته دارد. این پژوهش، با هدف بررسی ماهیت عدالت و کاربرد آن در خانواده، از منظر فقه اسلامی تلاش کرده است تا مفهوم عدالت را در چارچوب اخلاق و شریعت تحلیل کند. عدالت، به عنوان یک اصل اخلاقی و خصلتی حق‌طلبانه، محور احقاق حقوق و ماندگاری نظام خانواده است. در این راستا، مفهوم عدالت در خانواده به‌ویژه در زمینه مشکلات مربوط به رعایت عدالت میان همسران، تحلیل شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که از منظر فقه اسلامی، اجرای عدالت در روابط خانوادگی مستلزم رعایت حقوق مالی، عاطفی و اخلاقی اعضای خانواده است و عدل در چندهمسری نیازمند پابندی به شرایطی خاص است که به دلیل پیچیدگی‌های اجتماعی و اخلاقی، تحقق آن با دشواری‌هایی همراه است. این مقاله، به روش توصیفی تحلیلی انجام شده و به تقویت گفتمان عدالت‌محور در خانواده‌های اسلامی پرداخته است.

واژگان کلیدی: عدالت، تعدد زوجات، خانواده، روابط زوجین، فقه اسلامی.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۷/۱۷؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۲/۱۸.

** دانشجوی سطح چهار و مدرس حوزه علمیه خواران، یزد، ایران (نویسنده مسئول). man.shakeri1349@gmail.com

*** گروه علمی حقوق، مؤسسه علمی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

mohsenmalekafzali@yahoo.com

sanei1493@gmail.com

**** گروه علمی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، ایران

۱. مقدمه

عدالت، یکی از مفاهیم بنیادین در علوم اجتماعی و دینی، به عنوان اصل محوری در ایجاد توازن و تعادل اجتماعی و خانوادگی شناخته می شود. در اندیشه اسلامی، عدالت مفهومی چندبعدی و پویاست که به معنای «نهادن هر چیز در جایگاه خود» (الشریف الرضی، بی تا، حکمت ۴۳۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱/ ۲۷۱) تعریف شده و به عنوان ابزاری برای مقابله با ظلم و نادرستی، جایگاه برجسته ای دارد. خانواده به عنوان هسته اصلی جامعه، برای حفظ انسجام و پایداری خود، نیازمند رعایت اصول و ارزش هایی همچون عدالت است. این پژوهش، بر آن است تا مفهوم عدالت را از منظر فقه اسلامی، به ویژه در بُعد مقابله با ظلم در خانواده، بررسی و تحلیل کند.

پرسش اصلی این پژوهش، آن است که ماهیت عدالت و کاربردهای آن در خانواده از منظر فقه چیست و چگونه می توان از این مفهوم، برای بهبود روابط خانوادگی بهره برد؟ اهداف تحقیق، شامل بررسی مفهوم عدالت از منظر فقه اسلامی، تحلیل کاربردهای عدالت در روابط زوجین و شناسایی تأثیرات عدالت، بر پایداری و توازن خانواده است. این مقاله، با رویکرد توصیفی تحلیلی و بر اساس ابزار کتابخانه ای، تلاش می کند نشان دهد که در فقه خانواده، عدالت نه تنها به عنوان یک اصل اخلاقی بلکه به عنوان معیاری حقوقی در حل مسائل پیچیده ای مانند چندهمسری و قیمومیت فرزندان، استفاده می شود.

۲. پیشینه پژوهش

برخی از کتاب ها و مقاله های مرتبط با موضوع حاضر، به ترتیب سال نشر به شرح زیر است: مقاله «عدالت محوری در حقوق زن و مرد از منظر قرآن و کارکرد آن بر نهاد خانواده»، اثر محسن قاسم پور، کوثر یوسفی نجف آبادی، زهرا مولا قلقلچای (۱۴۰۱). بر اساس یافته های این پژوهش در چشم انداز بینش اسلامی، حقوق زنان و مردان در نظام خانواده در قلمرو مقولاتی نظیر کرامت، آزادی، برخورداری از آموزش و در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی به فراخور نقش و کار ویژه زن و مرد، از اصل عدالت محوری تبعیت نموده، آثار سازنده ای در جهت استواری و انتظام نهاد خانواده به همراه داشته و کارآمدی آن را مضاعف می کند.

کتاب «تعدد زوجات و آثار مثبت و منفی آن»، نوشته طیبه اسمعیلی، فاطمه سالاری و طاهره اسمعیلی (۱۳۹۹). این کتاب، آثار مثبت و منفی چندهمسری را بررسی می‌کند. این کتاب، به انواع چندهمسری در تاریخ زندگی انسان می‌پردازد. همچنین علل تاریخی تعدد زوجات را بررسی کرده و نقش اسلام در این موضوع را، تحلیل می‌کند. در فصلی مجزا، تحلیلی از آیات مربوط به تعدد زوجات را ارائه می‌دهد و فلسفه تعدد زوجات را نیز، بررسی کرده است. همچنین تعدد زوجات در ایران را بررسی کرده و در نهایت، آثار مثبت و منفی چندهمسری را تحلیل کرده است.

کتاب «بررسی فقهی و حقوق شروط ازدواج مجدد (با تأکید بر شرط عدالت)»، اثر ایوب رنجبری و محمد جعفر نژاد، (۱۳۹۸). این کتاب به تحلیل جایگاه ازدواج مجدد در فقه و حقوق ایران پرداخته و به‌ویژه بر شرط عدالت تأکید دارد. در این کتاب، شرط عدالت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شروط ازدواج مجدد در فقه اسلامی بررسی می‌شود و ملاک تشخیص ظلم و عدل در این زمینه از منظر حقوقی و فقهی، تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین این اثر، قوانین موضوعه ایران را درباره شرط عدالت در ازدواج مجدد مرور کرده و نقش آن در حفظ حقوق همسران را بررسی می‌کند.

مقاله «عدالت‌مداری در تعدد زوجات از منظر متون اسلامی»، اثر محمدحسین خواجه بومی (۱۳۹۷). این مقاله عدالت در تعدد زوجات از منظر قرآن و روایات را بررسی می‌کند. قرآن کریم تأکید می‌کند مرد و زن مکمل یکدیگر هستند و گرایش طبیعی به جنس مخالف دارند که باعث آرامش و تکامل آن‌ها می‌شود. در موارد خاص، مانند تعدد زوجات، رعایت عدالت میان همسران الزامی است. در این راستا، روایات اسلامی مواردی چون «قسم» و «نفقه» را، به‌عنوان مهم‌ترین جوانب عدالت ظاهری معرفی می‌کنند. در مقابل، «عدالت در محبت قلبی» که تحت اراده انسان نیست، شرط تعدد زوجات قرار نگرفته است. اسلام تعدد زوجات را به‌عنوان وجوب مطرح نکرده است، بلکه با توجه به شرایط اجتماعی و فردی، اجازه داده که با رعایت عدالت، این امکان فراهم شود.

مقاله «راهبردهای نظام فقهی حقوقی خانواده در تحقق اصل عدالت»، اثری از نرجس

خاتون سرحدی نسب (۱۳۹۷)، سومین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی از همدان. در این پژوهش، محقق با تأکید بر مقوله عدالت و مبانی آن در حوزه‌های روابط فردی و تربیتی بین والدین و فرزندان، حقوق مادی و معنوی زوجین در محیط خانواده را بررسی کرده است.

مقاله «تناسب احکام با طبیعت و فطرت مبنایی برای عدالت در حقوق خانواده»، اثری از مهدی فیروزی، زهرا عظیمی (۱۳۹۵)، مجله فقه، دوره ۲۳، شماره ۶۷، ص ۷۱ تا ۹۹. بر اساس نتایج این مقاله، با عنایت به نظام‌مندی احکام خانواده در فقه اسلامی، یکی از اموری که می‌تواند مبنای عدالت در حقوق خانواده از منظر فقه اسلامی باشد، تناسب میان احکام خانواده و هماهنگی آن با فطرت و طبیعت است. برای اثبات این فرضیه و پاسخ به پرسش اصلی مقاله، ضمن تحلیل مفاهیم بنیادین، به رابطه و تناسب شریعت با فطرت و طبیعت اشاره شده و با ذکر مصادیق، عادلانه‌بودن احکام خانواده و نسبت آن با تفاوت‌های حقوقی میان حقوق زوجین، بحث و بررسی شده است.

مقاله «عدالت حقوقی نسبت به زن در خانواده از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی»، اثری از خلیل شمس و محمدحسین جعفری (۱۳۹۴)، دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق از میبد. بر اساس یافته‌های ارائه‌شده در مقاله مذکور، از منظر روایات، حکمت تفاوت در ارث بین زن و مرد این است که اسلام مسئولیت سربازی، جهاد و نفقه را از زن برداشته و در برخی از جانیاتی که خانواده باید دیه را پرداخت کنند، زن از پرداخت خسارت معاف شده است و همه این مسئولیت‌ها برعهده مرد قرار گرفته است. با توجه به روایات نقل‌شده از امام صادق و امام رضا، دلیل نصف‌بودن ارث زنان این است که موقع ازدواج، مرد باید هزینه کند، ولی زن پول می‌گیرد. علاوه بر آن، چون مرد کفالت زن را برعهده دارد، در صورتی که زن محتاج باشد، همسر یا بستگان مرد باید مخارج او را پرداخت کنند؛ ولی اگر مردی نیازمند بود، بر زن و اقارب او واجب نیست که مخارج او را بدهند. از این رو، عدالت نسبت به زن در خانواده، توسط خداوند عزوجل که عدالت مطلق است، رعایت شده است.

پژوهش حاضر با رویکردی متمایز، ماهیت عدالت و موارد کاربرد آن در خانواده را از منظر

فقه اسلامی، بررسی می‌کند تا میان مفاهیم بنیادین عدالت در خانواده و جایگاه آن در احکام فقهی، ارتباطی نظام‌مند برقرار کند. برخلاف پژوهش‌هایی که عدالت را به‌طور کلی یا در ارتباط با مفاهیم گسترده‌تری نظیر عدالت اجتماعی تحلیل کرده‌اند، این مقاله به‌صورت خاص، عدالت را به‌عنوان ابزار مقابله با ظلم و ناحقی در خانواده بررسی خواهد کرد و تأثیر آن بر تعاملات خانوادگی را تحلیل می‌کند. این پژوهش، با تکیه بر منابع فقهی و روایات اسلامی، به تحلیل موارد عینی اجرای عدالت در خانواده، از جمله چندهمسری، قیمومیت فرزندان و حقوق متقابل زوجین خواهد پرداخت. این تمرکز بر موارد کاربردی، فاصله میان نظریه و عمل در پژوهش‌های پیشین را پر می‌کند. همچنین مقاله با رویکردی جدید، ارتباط میان تفاوت‌های حقوقی میان اعضای خانواده و اصول عدالت را بررسی خواهد کرد و تلاش دارد نشان دهد که این تفاوت‌ها، برخلاف تصور اولیه، می‌تواند عادلانه و متناسب با طبیعت و فطرت انسان باشد. در این مقاله، تلاش شده است تا نظام‌مندی احکام فقهی مرتبط با خانواده از منظر عدالت بررسی شده و ارتباط میان عدالت و حقوق مادی و معنوی اعضای خانواده، تحلیل شود. این رویکردهای نوآورانه، مقاله را به‌عنوان گامی تازه در مطالعات عدالت در خانواده و فقه اسلامی، متمایز می‌کند و زمینه را برای تحقیقات گسترده‌تر در این حوزه فراهم می‌آورد.

۱-۲. کاربرد عدالت در روابط زوجین و ماهیت عدالت

موضوع تعدد زوجات در اسلام از طریق قرآن کریم و روایات معصومان، پذیرفته شده است. اصلی‌ترین آیه مستند در قرآن، آیه سوم سوره نساء است که به موضوع تعدد زوجات اشاره دارد. علاوه بر قرآن کریم، روایات معصومان نیز به مشروعیت تعدد زوجات، اشاره دارند. همچنین این روایات، به ضوابط و مسائل مرتبط با تعدد زوجات می‌پردازند.

۱-۱-۲. تجدیدفراش در حصر عدل

از احکام پذیرفته‌شده در همه مذاهب اسلامی، اجازه تعدد زوجات است. مشروعیت تعدد زوجات، از منابع قرآن کریم (نساء/ ۳، ۱۲۹)، روایات (حرّ عاملی، بی‌تا: ۵۱۷/۲۰) و سیره عملی پیشوایان دینی به دست آمده است. در آیه ۱۲۹ سوره نساء، مسئله تعدد زوجات با شرط

رعایت عدالت مطرح شده است؛ اما در باب فلسفه و حکمت آن و نیز نوع مشروط‌شدن آن به شرط عدالت، میان برخی علمای اسلامی، اختلاف است. عدل به معنای برابری میان دو چیز (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۲۴۶/۴؛ راغب، ۱۴۱۲، ۵۵۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴۲۱/۵)، درستی و موزون‌بودن (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴۳۰/۱۱) و میانه‌روی در کارهاست (فیومی، ۱۴۱۴: ۳۹۶) و در برابر آن، ظلم و جور (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۹/۲) و ناقص و بدون نظم و انتظام (راغب، ۱۴۱۲: ۵۵۱) قرار دارد. عدالت را دست‌یافتن هرکس به چیزی که سزاوار آن است نیز تعریف کرده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۰۷/۵).

شهید مطهری در این زمینه چنین نکاشته است که «عدالت از مفاهیمی است که در اندیشه دینی، از زوایای مختلفی به آن پرداخته شده است. عدالت در ارتباط با مسئله حق و تکلیف و تعدد زوجات، از نوع عدالت تکوینی خداوند است؛ به این معنا که خداوند متعال، فیّاض علی‌الاطلاق بوده و فاعلیتش تامّ است و هر شیئی از ممکنات را در سیر تکاملی خود به اندازه استعداد ذاتی و حدود ماهوی‌اش، از فیض وجود بهره‌مند کرده و به اندازه قابلیت ذاتی‌اش، به هریک از آن‌ها استعداد داده است» (مطهری، ۱۳۷۲: ۸۴/۱). این است معنای جمله‌ای که در تعریف عدالت گفته‌اند: «الْعَدَالَةُ اَعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ؛ عدالت این است که حق هر ذی‌حقی به خودش برسد» (فخر رازی، ۱۴۰۷: ۲۷۴/۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۸: ۳۰۲/۲؛ محقق سبزواری، ۱۳۷۲: ۱۷۲؛ آشتیانی، ۱۳۸۳: ۳۴۱؛ سبحانی، ۱۴۲۵: ۷۳۷/۵). بنابراین عدالت، رعایت تناسب هرچیز است و به همین جهت است که امیرالمؤمنین فرموده‌اند: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدل هر چیزی را در جای خود و محل خود قرار می‌دهد» (الشریف الرضی، بی‌تا، حکمت ۴۳۷).

یکی از مهم‌ترین مباحث در بررسی حکمت و فلسفه تشریع تعدد زوجات، تعیین جایگاه این قانون در نظام حقوقی اسلام است: آیا تعدد زوجات به‌عنوان حقی برای مردان، تعریف شده است یا اینکه هدف آن، تأمین حقوق زنان است؟

مطهری (مطهری، ۱۳۹۱: ۴۲ - ۴۴)، تعدد زوجات را به‌عنوان تدبیری اجتماعی برای حمایت از زنان، در نظر می‌گیرد. از منظر این رویکرد، تعدد زوجات پاسخی به مشکلات

اجتماعی است، به‌ویژه در شرایطی که تعداد زنان آماده ازدواج، به دلایل مختلف از مردان پیشی می‌گیرد. در چنین شرایطی، این قانون امکان تشکیل خانواده برای زنانی که در معرض محرومیت از حق ازدواج هستند، فراهم می‌کند و با مدیریت صحیح، از بروز مشکلات اجتماعی ناشی از عدم تعادل در نسبت جنسیتی، جلوگیری می‌کند.

بنابراین، می‌توان گفت که قانون تعدد زوجات در اسلام، ضمن توجه به ویژگی‌های تکوینی انسان، بیشتر به‌عنوان راهکاری جامع برای حل معضلات اجتماعی و حفظ تعادل در روابط خانوادگی، مطرح شده است. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که اسلام در تشریع این حکم، رویکردی واقع‌بینانه داشته و آن را با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی زمان خود وضع کرده است.

در نهایت، لازم است تأکید شود که در اینجا عدالت به معنای مقابله با ظلم و احقاق حقوق طبیعی انسان است، نه عدالت در برابر فسق. این اصطلاح به وضوح نشان می‌دهد که مطالب مورد بحث، در جهت تأکید بر احقاق حقوق و رعایت استعدادهای طبیعی انسان ارائه شده‌اند و هدف از تعدد زوجات نیز، بهبود وضعیت اجتماعی و انسانی است، نه ترویج هرگونه رفتار فسق یا نادرست.

شهید مطهری پس از مردود دانستن دو رویکرد فوق، نوع سوم را، به‌عنوان علت تعدد زوجات ذکر می‌کند که نه‌تنها مجوز تعدد زوجات محسوب می‌شود، بلکه موجب حقی از جانب زن و تکلیفی برعهده مرد و اجتماع است و آن علت، فزونی تعداد زنان آماده ازدواج بر مردان است. ایشان با ارائه آمارهای گوناگون از کشورهای مختلف جهان، این مدعا را ثابت می‌کند که همواره بر اثر عوامل مختلف در جوامع، تعداد زنان آماده ازدواج بیشتر از مردان است. برخی از این عوامل، به مبارزه انسان با انسان برمی‌گردد (مانند جنگ‌ها) و برخی به مبارزه انسان با طبیعت و حوادث طبیعی مربوط می‌شود (مانند غرق‌شدن، زیر آوار ماندن، سقوط، تصادف و مقاوم‌نبودن در برابر بیماری‌ها) که بیشتر متوجه جنس مرد است (همان، ۶۷-۷۳). شهید مطهری، با توجه به مبنای حق تأهل به‌عنوان حق طبیعی بشری و واقعیت فزونی نسبی تعداد زنان آماده ازدواج بر مردان، نتیجه می‌گیرد که اگر تنها صورت قانونی ازدواج، تک‌همسری باشد، گروه‌های بسیاری از زنان، از حق طبیعی انسانی خود (حق تأهل) محروم

می‌شوند و این حق طبیعی تنها با قانون تجویز تعدد زوجات و با شرایط خاصی که دارد، احیا می‌شود (همان، ۷۴). از دیدگاه ایشان، این تنها حکمت و فلسفه تشریع حکم تعدد زوجات است و حتی می‌تواند به مواردی مانند احتیاج اجتماع به تکثیر نسل، فقط به‌عنوان مجوزی برای آن محسوب شود و نه علت و فلسفه آن (همان، ۶۴ و ۶۷). به نظر می‌رسد میان این دو تعبیر، تفاوت بسیاری است؛ زیرا اگر نیاز اجتماع به تکثیر نسل به‌عنوان مجوز این مسئله محسوب شود، در آن صورت اجرای حکم، مستلزم آن است که موجب ایجاد مفسده‌ای بزرگ‌تر در اجتماع نشود. به عبارتی، محروم‌ماندن زنان آماده ازدواج از تشکیل خانواده، مفسده است؛ اما اگر آسیب‌های ناشی از نبود بسترهای مناسب فرهنگی، در جامعه مفسده‌ای بزرگ را ایجاد کند مانند طلاق و فرزندان آسیب‌دیده، در آن صورت ابتدا باید به مهیا کردن بسترهای فرهنگی در جامعه همت گماشت و از بروز آسیبی بزرگ‌تر جلوگیری کرد.

دلیل اول علامه طباطبایی این است که تجویز حکم چندهمسری، میزان حرص مرد را کاهش می‌دهد؛ چون انسان از هر چیزی منع شود، در برابر آن حریص‌تر می‌شود؛ از این رو، اگر قانون، مردان را از غیر همسر اول منع کند، حریص‌تر می‌شوند. ولی اگر قانون به آنان اجازه ازدواج با همسر دوم و سوم را بدهد؛ هرچند بیش از یک همسر نداشته باشند، عطش حرصشان فرو می‌نشیند و همین بازبودن راه، بهانه آن‌ها از ارتکاب زنا را از دستشان می‌گیرد. مرحوم علامه، به نظر برخی از دانشمندان غربی (جان دیون پورت انگلیسی) استناد کرده که گفته‌اند: در اشاعه زنا و فحشا در میان ملت‌های مسیحی، هیچ عاملی نیرومندتر از تحریم چندهمسری کلیسا نبوده است (همان، ۱۸۹).

مهم‌ترین مبنای علامه طباطبایی در بحث تعدد زوجات، حق دانستن این مسئله برای مرد است. از این رو، موضوع چندبرابر بودن شهوت جنسی مرد را عنوان کرده تا نشان دهد که خداوند مطابق نیاز جنسی مرد، به او حق تعدد زوجات داده است. به گفته شهید مطهری، تعدد زوجات ناشی از مشکل اجتماعی است، نه طبیعت ذاتی مرد (مطهری، ۱۳۹۱، ۸۴) و تساوی نسبی زن و مرد در نظام تکوین نیز، این مطلب را تأیید می‌کند. شهید مطهری می‌گوید: اینکه گفته می‌شود «الأنسان حریص علی ما مُنِع مِنْهُ»، سخن درستی است، اما به توضیح نیاز دارد. انسان

درباره چیزی حرص می‌ورزد که هم در برابر آن تحریک شود و هم از آن منع شود؛ به عبارتی، آرزوی چیزی را در وجود شخصی بیدار کرده و بعد او را منع کنند. اما اگر چیزی اصلاً عرضه نشود یا کمتر عرضه شود، حرص و ولع نیز به آن کمتر می‌شود. بنابراین برداشتن قیدهای اجتماعی، مشکلی را برطرف نمی‌کند، بلکه آن را زیاد می‌کند. در زمینه غریزه جنسی و بعضی دیگر از غرایز، برداشتن قیدها موجب میراندن عشق واقعی می‌شود، اما طبیعت را هرزه و بی‌بندوبار می‌کند. در این زمینه، هرچه عرضه بیشتر باشد، میل به تنوع بیشتر می‌شود و از یک نوع خاص بی‌عفتی خستگی پیدا می‌شود، اما نه به این معنا که تمایل به عفاف جانشین آن شود، بلکه بدین معنا که آتش و عطش روحی زبانه می‌کشد و نوعی دیگر از فحشا را تقاضا می‌کند و این تقاضاها هرگز تمام‌شدنی نخواهد بود (مطهری، ۱۳۷۸، ۴۶۱/۱۹-۴۵۶).

علامه طباطبایی بر این باور است که مجازبودن چندهمسری می‌تواند از تمایل مردان به روابط نامشروع جلوگیری کند؛ چون انسان نسبت به چیزهای منع‌شده حرص می‌ورزد. با این حال، این استدلال نیازمند بررسی دقیق‌تری است؛ زیرا ممکن است بازبودن این مسیر قانونی، فقط به افزایش رفتارهای غیرمسئولانه منجر شود و اعمال محدودیت‌های دقیق‌تر و تأکید بر عدالت برای حفظ توازن ضروری باشد.

دلیل دوم علامه طباطبایی در تعدد زوجات، محرومیت مقطعی مرد در خانواده هنگام عذر زن است. اگر مرد به داشتن یک زن محکوم باشد، در ایامی که زن عذر دارد، یعنی نزدیک به یک سوم از ایام معاشرتش که ایام عادت و برخی از ایام بارداری و وضع حمل و ایام شیردادن و امثال آن است، او ناگزیر از گناه و فجور می‌شود و اسلام جامعه بشری را بر اساس زندگی عقلی بنا نهاده است، نه بر اساس زندگی احساسی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۸۸/۴). علامه طباطبایی بر این باور است که تعدد زوجات می‌تواند به‌عنوان راه‌حلی برای مشکلات جنسی مردان در ایام عذر زنان عمل کند. با این حال، این استدلال ممکن است به نادیده‌گرفتن تعهد مرد به همسر اول منجر شود و نیاز به توجه بیشتر به سازوکارهای اخلاقی و حمایتی، برای تقویت پابندی به تک‌همسری، در دنیای مدرن دارد.

دلیل سوم علامه طباطبایی، تکثیر نسل است. به تعبیر مرحوم علامه، یکی از مهم‌ترین

مقاصد و اهداف در اسلام، زیاده‌شدن نسل مسلمانان و آبادشدن زمین و ریشه‌کنی شرک و فساد به دست آنان است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۸۸/۴). بر همین اساس، یکی از راهکارهای اسلام جهت تحقق این هدف، تشریع حکم تعدد زوجات بوده است (همان، ۱۸۹). از دیدگاه شهید مطهری، همان‌گونه که بیان شد، علت تشریع حکم تعدد زوجات، احتیاج اجتماع به کثرت نفوس نیست، بلکه احتیاج اجتماع به کثرت نفوس می‌تواند مجوزی برای تعدد زوجات باشد و نه علت و فلسفه آن (مطهری، ۱۳۹۱/۶۴-۹۷).

علاوه بر آنکه به نظر می‌رسد این سخن شهید مطهری در تجویز تعدد زوجات در این ضرورت اجتماعی، مربوط به مواقعی باشد که احتیاج اجتماع به کثرت نفوس با راهکارهای دیگری درمان نشود و راه تعدد زوجات تنها راه درمان باشد؛ زیرا اگر این احتیاج اجتماع به کثرت نفوس، علت‌های دیگری داشته باشد (مانند کاهش آمار ازدواج به دلیل بحران‌های اقتصادی یا فرهنگی)، در آن صورت تجویز تعدد زوجات به‌عنوان راهکار درمان چنین مشکل اجتماعی که ریشه در عوامل دیگری دارد، نه تنها موجب برطرف‌شدن مشکل نمی‌شود، بلکه خود موجب افزایش بحران در جامعه و به‌عنوان نمونه رشد آسیب‌های اجتماعی ناشی از افزایش تعداد پسران آماده ازدواجی می‌شود که به دلیل مشکلات اقتصادی یا فرهنگی، ازدواج نکرده‌اند و در مقابل دخترانی که می‌توانستند با آن‌ها ازدواج کنند، به ازدواج دوم یا سوم مردان متأهل درآمده‌اند. استدلال علامه طباطبایی درباره ضرورت افزایش نسل مسلمانان از طریق تعدد زوجات در جوامع معاصر نیازمند بازنگری است و باید با توجه به چالش‌های جمعیتی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی هر جامعه تحلیل شود.

دلیل چهارم علامه طباطبایی تعداد بیشتر زنان نسبت به مردان است. گفتنی است در بررسی علل و عوامل تعدد زوجات، به دست آمد که فزونی زنان آماده ازدواج بر مردان آماده ازدواج، علت اصلی این امر است و نه فزونی عدد زنان بر مردان به‌صورت کلی. این استدلال، در شرایط خاص مانند جنگ‌ها درخور تأمل است، اما به‌عنوان یک دلیل عمومی و دائمی به دقت بیشتری نیاز دارد.

دلیل پنجم مرحوم علامه، جلوتر بودن سن بلوغ زن نسبت به مرد است. بر اساس این مبنا،

از منظر علامه، زنان به‌ویژه در مناطق گرمسیری، وقتی به ۹ سالگی می‌رسند، شایستگی ازدواج را پیدا می‌کنند. در حالی که بسیاری از مردان، قبل از ۱۶ سالگی به این آمادگی نمی‌رسند. به نظر می‌رسد بر اساس این نوع احتساب و معیار علامه طباطبایی، همواره در جوامع، علت فزونی تعداد زنان آماده به ازدواج بر تعداد مردان، فقط فاصله سن بلوغ آن‌ها باشد. این نوع احتساب نیز، در جای خود نیازمند بررسی بوده و به نظر می‌رسد خدشه‌بردار باشد. اما بر اساس معیار و احتساب شهید مطهری، علت، فزونی تعداد زنان آماده ازدواج بر مردان است که این آمار معمولاً از ۱۰ درصد نیز تجاوز نمی‌کند (همان، ۸۲). تفاوت در سن بلوغ زنان و مردان، اگرچه با واقعیات زیستی سازگار است، اما در جوامع مدرن با تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی نیازمند بازنگری است.

دلیل ششم علامه طباطبایی، سن یائسگی زنان است. سن یائسگی اکثر زنان در پنجاه سالگی است، اما دستگاه تناسلی مردان سال‌ها بعد از پنجاه سالگی قادر به تولید نسل است و چه‌بسا قابلیت تولید نسل در مردان، تا دوبرابر زنان باقی می‌ماند. از این رو، طبیعت به مردان اجازه تعدد زوجات داده است؛ چون عاقلانه نیست که طبیعت به مردان نیروی تولید بدهد و آن‌ها را از تولید باز دارد و روش جاری در علل و اسباب نیز، این معنا را نمی‌پذیرد (همان، ۱۸۷).

بنابر آنچه بیان شد، دلایل علامه طباطبایی درباره تعدد زوجات با استناد به واقعیات زیستی و اجتماعی قابل دفاع هستند، اما برخی از آن‌ها نیازمند تطبیق با شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی امروز هستند. از سوی دیگر، بسیاری از استدلال‌های ایشان، مانند توجه به عدالت و رفع ظلم در روابط، همچنان از مبانی اصلی فقه اسلامی محسوب می‌شوند و در صورت تأکید بر عدالت به عنوان شرط لازم، می‌توانند به عنوان راهکاری مقبول در شرایط خاص اجتماعی مطرح شوند.

در مبنای جمعیت‌شناختی این نظریه، تکیه بر این امر است که در اثر شرایط جوامع، تعداد زنان آماده ازدواج بیش از مردان آماده ازدواج است و این فزونی تعداد زنان، جامعه را دچار نوعی بحران می‌کند. به همین جهت، لازم است مردانی که به اجرای عدالت پیش از چندهمسری علم دارند و توان پذیرش این مسئولیت را دارا باشند، به جای یک همسر، تعدد

زوجات داشته باشند تا تعادل برقرار شود. بر اساس دیدگاه شهید مطهری، آرمان خانواده، وحدت است و این امر با تک‌همسری بهتر تحقق می‌یابد. به نظر می‌رسد ریشه و پشتوانه استدلال فقهی این بحث را بتوان ادعای بسیاری از فقهای متقدم و متأخر درباره جواز تعدد زوجات و نه استحباب آن دانست. از دیدگاه بسیاری از فقهای متقدم و برخی فقهای متأخر، اصل بر تک‌همسری در خانواده است. از این رو، تعدد زوجات بنا بر ضرورت‌های اجتماعی تنها جایز است و نه مستحب. شیخ طوسی ادعای عدم خلاف در جواز تعدد زوجات و نه استحباب آن می‌کند و در دو کتاب «المبسوط» و «الخلاف»، به صورت صریح فتوا می‌دهد که تعدد زوجات جایز است، اما مستحب است که به یک زن اکتفا شود. ایشان این قول را مقبول همه فقها دانسته است (طوسی، ۱۳۸۸: ۴/۶). محقق اردبیلی، احتمال داده است که شیخ در عبارت خود، نظر به کراهت تعدد زوجات داشته است (اردبیلی، بی‌تا، ۵۰۹). عدالت در اینجا مقابل ظلم و نظامی اجتماعی معنی می‌شود، نه به معنای عدالت در برابر فسق. در زمینه تعدد زوجات، عدالت به معنای ایجاد تعادل و توازن در جامعه است. این موضوع به عنوان یک راهکار اجتماعی، به ایجاد عدالت در برابر فزونی تعداد زنان آماده به ازدواج نسبت به مردان اشاره می‌کند.

۲-۱-۲. معنا و ماهیت قسط در آیه ۳ سورة نساء

قرآن کریم در آیات ۳ و ۱۲۹ سورة نساء، به ضرورت حفظ عدالت در برخورد با همسران، در زمینه تعدد زوجات اشاره کرده است. این موضوع نیز، در روایات به تفصیل ذکر شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۳/۵؛ ۳۶۳). به همین دلیل، رعایت اصل عدالت در تعدد زوجات، به عنوان یک شرط قبول شده توسط فقهای مختلف اسلامی، تأیید شده است؛ اما در تفسیر و تعیین متعلق عدالت، دیدگاه‌ها در فقه به تفاوت اساسی دچار می‌شوند. آیه سوم سوره نساء، به صراحت، اجرای عدالت میان همسران را واجب کرده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَمَامِي فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا؛ و اگر می‌ترسید که (هنگام ازدواج با دختران یتیم) عدالت را رعایت نکنید (از ازدواج با آنان، چشم‌پوشید و با زنان پاک (دیگر) ازدواج کنید، دو یا سه یا چهار همسر و

اگر می‌ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید یا از زنانی که مالک آن‌ها هستید استفاده کنید. این کار از ظلم و ستم، بهتر جلوگیری می‌کند».

در فقه، قسّم اهمیت بسیاری داشته و احکام فراوانی در این باره مطرح شده است؛ حتی در منابع اهل سنت، قسم عنوان یکی از کتب فقهی است (انصاری، ۱۴۱۸: ۱۰۷/۲؛ شربینی، ۱۳۷۷: ۲۵۱/۳). شیخ طوسی نیز، در بعضی از آثار خود، به این روش عمل کرده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۰۹/۴؛ طوسی، بی‌تا: ۳۲۴/۴)، اما دیگر فقهای شیعه، قسّم را در کتاب نکاح آورده‌اند. شیخ مفید نیز در تعدد زوجات، رعایت عدالت را بر مرد سزاوار می‌داند و قسّم را تنها مصداقی برای عدالت ذکر کرده و می‌گوید: «اگر مردی، دوزن داشته باشد، سزاوار است میان آن‌ها به عدالت رفتار کند. پس باید هر شب را با یکی از آن‌ها سپری کند» (مفید، ۱۴۱۳، ۵۱۶).

از این رو، در آثار فقهی، قسّم به عنوان یک نمونه از عدالت مورد نیاز در تعدد زوجات مطرح شده است. بنابراین، معنای عدالت به عنوان مقابله با ظلم و بی‌عدالتی در رفتار با همسران توسط قوانین اسلامی و آیات قرآنی به تصویب رسیده است، نه به معنای عدالت در برابر فسق و گناه.

در قسم، سه جنبه به طور جداگانه مورد توجه قرار گرفته است: ۱. بیتوته (شب ماندن)؛ ۲. مضاجعه (هم‌خوابی)؛ ۳. مواقعه (آمیزش). به اتفاق فقهای شیعه و اهل سنت، بیتوته در قسم برعهده مرد قرار دارد و واجب است، اما مواقعه واجب نیست؛ زیرا در شرایطی که رعایت عدالت به مرد واجب می‌شود، باید توان انجام آن در دسترس باشد و این مسئله به بیتوته ارتباط دارد. اما در کنار این موضوع، لازم نیست در اعمالی همچون محبت و جماع که از دامنه توانایی مرد خارج است، عدالت و تساوی را رعایت کند (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۶۱/۳۱). اغلب فقهای شیعه، نوع دیگری از قسم به جز قسم برای عدالت که در آیه سوم سوره نساء ذکر شده است، ارائه نکرده‌اند. از نظر آن‌ها، عدالت مرتبط با نفقه و سایر حقوق زناشویی نمی‌شود؛ زیرا این موارد به توجه به وضعیت زن تغییر پیدا می‌کند و تنها وظیفه مرد است که نفقه مناسب با شرایط هر یک از همسرانش را تأمین کند و رعایت تساوی در میزان آن شرط لازم نیست. از این رو، مرد می‌تواند به جز نفقه واجب، به بعضی از زنانش بیشتر از دیگران نفقه بدهد (صدر، ۱۴۲۰: ۱۶۴/۶). از دیدگاه فقیهان شیعه و اهل سنت، عدالت به معنی مساوات است و از دیدگاه شرع،

مساوات تنها در قسم واجب بوده و در دیگر حقوق شرعی و اخلاقی زوجه واجب نیست؛ مثل نفقه، جماع، حسن معاشرت و محبت و رعایت مساوات. از این رو، آن‌ها متعلق عدالت در آیه ۳ سوره نساء را فقط قسم می‌دانند.

نکته مهم آیه ۳ سوره نساء، آن است که با کلمه «قسط»، رعایت حقوق همسر یتیم، بیان شده است و همچنین با کلمه «عدل»، رعایت حقوق زوجات مطرح شده است. قسط، عدالت ظاهر و آشکار است (عسکری، ۱۴۱۲: ۴۲۸)؛ از این رو، خداوند در ابتدای آیه می‌فرماید که اگر در پرداخت اموال و حقوق ظاهری زن یتیم و رعایت عدالت درباره آن‌ها می‌ترسید، از زنان دیگر همسر بگیرید. علت توجه به حقوق ظاهری زن یتیم، این است که مردان به خاطر رعایت حقوق مالی، از ازدواج با یتیمان بیم داشتند؛ زیرا در آیه قبل درباره اموال آنان سخن گفته شده است. اما واژه قسط، برای رعایت حقوق زوجات به کار نرفته است، بلکه از واژه عدل استفاده شده است تا مشخص شود که در مسئله تعدد زوجات، فقط رعایت حقوق ظاهری آن‌ها مانند قسم کافی نیست و هر نوع ظلمی ناپسند است، هر چند درباره معاشرت اخلاقی باشد.

تعدد زوجات تنها تکلیفی است که متوجه برخی مردان رشدیافته است که با نگاه تکلیف‌محور به این موضوع ورود می‌کنند و حقی است، برای زنان بازمانده از ازدواج و نیز تکلیفی است متوجه برخی زنان رشدیافته که شوهر دارند (همسر اول) و به جهت این ضرورت اجتماعی، برای حفظ اجتماع از فساد و رسیدن همه زنان به حق تأهل و تشکیل خانواده، این سختی را متحمل شوند؛ زیرا اگر تعدد زوجات برای مرد هم تکلیف‌آور است، ولی بالاخره یک جنبه لذت نیز، در آن هست؛ اما برای زن‌ها صددرصد تکلیف است (همان، ۹۶). با این توضیح، روشن می‌شود که آثار ناگوار ناشی از تعدد زوجات در برخی جوامع، ناشی از طبیعت تعدد زوجات نیست، بلکه ناشی از چگونگی اجرای نامطلوب آن است؛ زیرا در جوامعی مانند کشور ما که محور بسترهای فرهنگی این موضوع فراهم نشده است، معمولاً مرد نگاه تکلیف ندارد، بلکه برعکس، به عنوان حقی برای خود، با ژست خودسری و هوسرانی دارد (همان).

از دیدگاه علامه، طبیعت جنس زن از چند همسری مرد امتناعی ندارد و قلب زنان از این کار آزاده نمی‌شود، بلکه آزرده‌گی از پیامدهایی است که همسر اول به وجود می‌آورد؛ زیرا زن

اول نمی‌پسندد به‌جز او، زنی دیگر به خانه‌اش بیاید؛ زیرا از این ترس دارد که قلب شوهرش به‌سمت او برود یا اینکه زن دوم بر او برتری پیدا کند یا بچه‌ای از او به وجود بیاید که با فرزندان او نسازد. این‌گونه ترس‌هاست که موجب راضی نشدن و تألم روحی زن اول می‌شود و ریشه آن یک غریزه طبیعی نیست (همان، ۱۸۶). نوع نگاه علامه طباطبایی با نوع نگاه تکلیف‌محوری که شهید مطهری درباره تعدد زوجات به‌عنوان تکلیف و جهادی برای مرد و زن اول مطرح کردند، بسیار متفاوت است؛ زیرا بر اساس دیدگاه شهید مطهری، آرمان خانواده وحدت است و این امر با تک‌همسری بهتر تحقق می‌یابد (همان، ۸۷). در نتیجه، می‌توان اظهار کرد که در این دو دیدگاه، عدالت به‌معنای مقابله با ظلم و بی‌عدالتی در زمینه تعدد زوجات مطرح شده است، نه به‌معنای مقابله با فسق و گناه.

۲-۱-۳- شرایط تعدد زوجات

در تعدد زوجات، باید حدود و شرایط معین رعایت شود تا از هوسرانی مردان هوسباز جلوگیری شود. از این‌رو، با توجه به قرآن کریم و سنت و عقل استنباط می‌شود که تنها روش برای جلوگیری از سوءاستفاده از جایز بودن تعدد زوجات، رعایت شروط سه‌گانه آن است که عبارت‌اند: رعایت عدالت مادی بین همسران؛ توانایی اداره زندگی؛ وجود مصلحت‌های عقلایی برای تعدد زوجات (که از حکمت تشریع می‌توان به دست آورد).

بعضی از محققان (باجوری، ۱۹۸۶: ۲۶۱/۱) در این زمینه، از قوانین اجرایی سخن گفته‌اند که برای تعدد زوجات وضع شده و همچنین از وجود قوانین دیگری برای اختیارداشتن حاکم اسلامی برای منع از تعدد در پاره‌ای موارد خبر داده‌اند.

حفظ عدالت در چندهمسری، اصل اخلاقی حائز اهمیت فراوان در دایره خانواده محسوب می‌شود. در قرآن کریم، تأکید بر برقراری عدالت بین همسران، به‌عنوان یک شرط اساسی برای تعدد زوجات گنجانده شده است. عدالت نه تنها در ارتباطات اجتماعی ارزشمند است، بلکه به‌گونه‌ای است که توجه به آن به‌عنوان یک اصل مهم در تمامی نظام‌های ارزشی تأیید شده است.

بحث دیگر ارتباط انصاف و عدالت است؛ «انصاف»، بخشیدن نصف و نیمه چیزی است؛

اما «عدل» ممکن است این گونه نباشد یا کمتر از آن باشد؛ مفهوم «عدالت» از «انصاف» متمایز است. انصاف به معنای اجرای حق و ارائه ترتیبی عادلانه، به عنوان عدل و رفتار متعادل بین طرفین یک دعوا تفسیر می شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۳۱/۹). در واقع، انصاف به تقسیم نصف و نیم یک موضوع اشاره دارد؛ اما عدالت ممکن است در این راستا کمتر یا حتی همواره به اندازه آن باشد. به عنوان مثال، زمانی که دست سارق قطع می شود، اعلام می شود که او را به عنوان مجازات عادلانه محکوم کردند و نمی توان ادعا کرد که این حکم منصفانه باشد. اصل انصاف، در واقع، مفهوم نصف چیزی بی کم و زیاد را به خود دارد (عسکری، ۱۴۱۲، ۲۲۸).

تحصیل عدل بر همه واجب است، به خصوص مردانی که چند همسر دارند؛ زیرا رعایت عدالت در این جا مثل شرط استطاعت در حج نیست که حصولی باشد؛ تا اگر فرد ملکه عدالت را داشته باشد، رعایت عدل در حقوق همسران واجب باشد و اگر آن ملکه را نداشت، رعایت عدل واجب نباشد، بلکه تحصیلی است. بنابراین، هر شخصی که نمی تواند عدالت را تحصیل کند، حق ندارد، ازدواج متعدد داشته باشد. همچنین توانمندی در رعایت عدالت از طریق رجوع به درون و شناخت خود و اندازه پرهیزگاری است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲۶۴/۱۷). در واقع، ازدواج متعدد در اسلام، مشروط به حفظ عدالت است تا هیچ یک از همسران محروم و زیان دیده نشود. این تأکید بر عدالت، نشان از اهمیت این اصل در پایه گذاری چنین نظام اجتماعی دارد. عدالت به عنوان یک سد در برابر ظلم معرفی شده و در اینجا به عنوان مقابله با ظلم و سوء استفاده در تعدد زوجات تأکید شده است، نه به معنای مقابله با فسق و گناه.

۲-۲. عدالت در زندگی زنashویی

تعدد زوجات، به دلیل پای بند نبودن به عدالت در میان همسران نهی شده است. این نکته نشان دهنده این است که بنیان زندگی خانوادگی و ازدواج در دین اسلام، به عدالت و احترام به حقوق هر دو طرف تأکید دارد. در پایان آیه نیز می بینیم که «ذَٰلِكَ أَذْنٰی أَلَّا تَعُولُوا» به عنوان معیاری برای احکام ذکر شده است. ابن عربی، درباره مفهوم عدل در لغت اظهار داشته است که به هفت معنا اشاره دارد: علاقه به چیزی، افزایش، فقر، ارتکاب ستم، سنگینی، عهده دار

عیال و خانواده شدن و غلبه یافتن (ابن عربی، بی تا: ۳۱۴/۱). قرطبی، این تعریف را بازخوانی کرده و به آن سه معنای دیگر اضافه کرده است (قرطبی، ۱۴۰۵: ۲۲/۵). درباره تفسیر کلمه «تَعُولُوا»، چهار تفسیر وجود دارد. اولین تفسیر به معنای ارتکاب ستم است و بیشتر مفسران به این تفسیر پای بند هستند (طوسی، ۱۴۰۹: ۱۰۸/۳؛ اردبیلی، بی تا، ۵۰۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵۴/۳). دومین معنا، فقر و نیازمندی است؛ به این معنا که ازدواج و داشتن ملک یمین برای جلوگیری از فقر بهتر است. در این صورت، اگر از این معنا استفاده شود، باید از کلمه «الْأَتْمِلُوا» استفاده شده باشد (طوسی، ۱۴۰۹، ۱۰۸/۳). معنای سوم، زیاد شدن تعداد افراد خانواده است و شافعی این معنا را انتخاب کرده است. در این حالت، آیه این گونه تفسیر می شود که اگر قادر به حفظ عدالت در بین زنانان نیستید، شایسته است که تنها به یک همسر اکتفا کنید یا اینکه از ملک یمین استفاده کنید؛ زیرا این کار برای جلوگیری از افزایش تعداد خانواده، بهتر است (ابن عربی، بی تا، ۳۱۴/۱). در این صورت نیز، باید از کلمه «الْأَتْمِلُوا» استفاده شده باشد (رضی، بی تا: ۲۹۴؛ طوسی، ۱۴۰۹: ۱۰۸/۳؛ جصاص، ۱۴۱۵: ۳۵۰/۲).

جواز تعدد زوجات، مسئله ای است که از منظر فقهی و حقوقی مطرح می شود، اما در اسلام، اجرای این حکم و سایر مقررات فقهی و حقوقی، باید از ابعاد اخلاقی نیز پیروی کند. قرآن کریم به صراحت بیان می کند که مردان توان رعایت عدالت کامل را در همه جنبه ها ندارند، اما همواره از مردان درخواست می شود که در حد توانشان، در این راه تلاش کرده و از وارد شدن به سرنوشت ناعادلانه و ظلم آشکار جلوگیری کنند؛ نه اینکه به طور کلی یکی را فراموش کنند و به دیگری به طور کامل تمایل نشان دهند.

تفسیر ابعاد اخلاقی این حکم، همانند دیگر مسائل اخلاقی، باید با در نظر گرفتن شرایط متنوع زندگی شخصی و اجتماعی هر مرد و همسرانش صورت بگیرد. از این منظر، ممکن است برای بسیاری از مردان، ازدواج مجدد از نظر اخلاقی ناشایست باشد. برخی فقها به ابعاد اخلاقی تعدد زوجات اهمیت می دهند و در شرایط ناکارآمد، این عمل را غیر اخلاقی می پندارند. آیت الله مکارم شیرازی نیز با تکیه بر شرط عدالت می گوید: «باید توجه داشت که جواز تعدد زوجات با این که در بعضی از موارد یک ضرورت اجتماعی است و از احکام مسلم

اسلام محسوب می‌شود، اما تحصیل شرایط آن در امروز، با گذشته تفاوت بسیار پیدا کرده است؛ زیرا زندگی در سابق یک شکل ساده و بسیط داشت و لذا رعایت کامل مساوات بین زنان آسان بود و از عهده غالب افراد برمی‌آمد؛ ولی در عصر و زمان ما باید کسانی که می‌خواهند از این قانون استفاده کنند، مراقب عدالت همه‌جانبه باشند و اگر قدرت بر این کار دارند، چنین اقدامی کنند. اساساً اقدام به این کار، نباید از روی هوا و هوس باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۵۹/۳). بنابراین، اگر ازدواج مجدد فرد، منجر به ظلم و ستم فاحش نسبت به همسر اول یا خانواده او شود، حتی اگر شخص از قوانین دینی به‌درستی پیروی کند، طبق آموزه‌های قرآن، این نوع ازدواج جایز نیست.

امروزه، ممکن است در اکثر مواقع، ازدواج مجدد موجب زحمت و رنج بیشتری برای دیگران شود. بعضی از دانشمندان سعی کرده‌اند که دیدگاه اسلام را درباره تأثیر این قاعده در نظام اجتماعی و خانوادگی بیان کنند. به اعتقاد آنان و اسلام، تعدد زوجات فقط یک راهکار قانونی برای حل کردن بعضی از مسائل اجتماعی و خانوادگی است و نمی‌تواند یک موقعیت آرمانی و مطلوب در نظام خانواده باشد (قطب، ۱۴۱۲، ۵۸۲/۱). بنابراین، در زمینه زندگی زناشویی در اسلام، عدالت بیشتر به معنای مقابله با ظلم و بی‌عدالتی است تا مقابله با گناه (فسق).

اگر ازدواج تا چهار همسر تحت شرایط عدالت انجام شود، این به معنای توجه به حقوق و تعامل منصفانه با همسران است تا اینکه به‌طور ناعادلانه یا ظالمانه با آن‌ها برخورد شود. از این جهت، اصل عدالت در اینجا به معنای پیشگیری از ستم و ظلم در زندگی زناشویی استفاده شده است. در نتیجه، اسلام تأکید دارد که در زمینه زندگی زناشویی، مردان باید از ستم به همسران خود اجتناب کرده و حقوق آن‌ها را حفظ کنند تا یک زندگی خانوادگی عادلانه و متوازن ایجاد شود.

۲-۳. مؤلفه‌های اصلی عدالت در تعدد زوجات

عدالت در تعدد زوجات، یکی از مسائل کلیدی و حساس در روابط خانوادگی است که نیازمند توجه به ابعاد مختلفی از حقوق و وظایف زوجین است. این عدالت، تنها به معنای برابری عددی یا تقسیم مساوی منابع نیست، بلکه رعایت نیازها، شئون و وضعیت‌های متفاوت

زنان در زندگی مشترک است که باید مدنظر قرار گیرد. اجرای عدالت در تعدد زوجات، مستلزم شناخت مؤلفه‌های مختلف آن است که هر یک از جنبه‌های زندگی زناشویی را در بر می‌گیرد. در ادامه، مؤلفه‌های اصلی عدالت در تعدد زوجات بررسی خواهد شد تا نشان دهیم که چگونه این اصول می‌توانند در تنظیم روابط خانوادگی و حفظ حقوق تمامی طرفین نقش مؤثری ایفا کنند.

۲-۳-۱. هزینه‌کردن مطابق شئون زنان و به میزان معقول

به این معنی که هزینه‌ها از حد متعارف و متداول کمتر نباشد. بنابراین، انجام احسان و هزینه‌کردن بیش از حد معقول برای برخی از زنان مشکلی ندارد؛ زیرا در قرآن آمده است: «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَحوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» (بقره/ ۲۳۱). مفهوم «معروف» به میزانی اشاره دارد که عقل و نقل آن را پذیرفته و قبول کند. اگر کسی هزینه‌های زندگی، مسکن، پوشاک و سهم مربوط به هریک از همسرانش را به میزان متعارف پرداخت کند و به برخی از زنان بیشتر از حد معقول احسان کند که باعث ناعدالتی نشود، این عمل احتمالاً حرام نیست؛ زیرا محور این آیه وظیفه رعایت عدالت است، نه تقسیم منصفانه در احسان. این دو مفهوم از هم متفاوت هستند و احسان بر عدل تفوق دارد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/ ۹۰).

۲-۳-۲. رعایت عدل و منصفانه‌بودن در محدوده مسائل مالی و حقوقی همسران

از جمله تأمین هزینه‌های زندگی، مسکن، پوشاک و احترام به نیازهای زناشویی، نه در زمینه‌های احساسی و عاطفی؛ زیرا رعایت این نکات، هرچند نیازمند تعهد جدی انسان است، به دست او نیست. البته، مرد نباید به‌تنهایی به یکی از همسرانش علاقه نشان دهد، به‌طوری‌که با سایر زنان مثل زن بی‌شوهر رفتار شود (ر.ک، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵۵/۳): «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ أَهْلَلَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً» (بقره/ ۱۲۹). بنابراین، نوع عدالتی که مراعات آن از قدرت انسان فراتر می‌رود، به عدالت در تمایلات قلبی اشاره دارد و این جزء شروط تعدد زوجات نیست. آنچه شرط است، عدالت در زمینه‌های عملی است. همچنین، در نقل‌های روایی اهل بیت، مفهوم عدالت در آیه ۱۲۹ سوره نساء به‌عنوان عدالت در مودت توضیح داده شده است (ر.ک.، همان، ۳۶۳).

در واقع، تمایل به سوی یک همسر، ناشی از طبیعت انسانی مرد است و به همین دلیل، رعایت عدالت در ارتباط قلبی که خود از دامنه قدرت مرد خارج است، بر وی الزام نخواهد شد. به این علت که محبت قلبی، عوامل متنوعی دارد که بعضی از آن‌ها از اختیار انسان خارج است، مرد از نظر شرعی به رعایت عدالت در این زمینه الزام ندارد. اما رعایت عدالت در اعمال، رفتار و احترام به حقوق میان همسران امکان‌پذیر است و در اصول اسلام بر آن تأکید شده است. خداوند در ادامه آیه ۱۲۹ سوره نساء، می‌فرماید: «اکنون که نمی‌توانید مساوات کامل را از نظر محبت، میان همسران خود رعایت کنید، لااقل تمام تمایل قلبی خود را متوجه یکی از آنان نکنید که دیگری بلا تکلیف و حقوق او عملاً ضایع شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵۳/۳-۱۵۴).

۲-۳-۳. رعایت عدالت در مسائل جنسی

در دیدگاه اسلام، نیاز جنسی یکی از نیازهای طبیعی و اساسی انسان به شمار می‌آید. اسلام نه تنها ریاضت و سرکوب نیاز جنسی را نمی‌پذیرد، بلکه بر اهمیت ارضای آن در چارچوب زندگی زناشویی تأکید می‌کند. البته این ارضا باید با رعایت اصول عفت و حفظ حریم خانواده همراه باشد. اسلام در کنار توصیه به پوشش مناسب و کنترل نگاه، به ویژگی‌های جنسیتی زن و مرد و نیازهای جنسی آن‌ها توجه دارد. از منظر اسلام، خانواده مکانی است که در آن غریزه جنسی به شکل مشروع و صحیح برآورده می‌شود و این امر به کاهش انحرافات جنسی کمک می‌کند. واژه «إحصان» در منابع اسلامی به معنای قلعه یا دژی است که از انسان در برابر خطرات محافظت می‌کند. این واژه به این معناست که هر یک از زوجین برای دیگری مانند دژی هستند که از او در برابر خطرات نگاه و رفتار جنسی نامناسب محافظت می‌کند (نساء: ۲۴ و ۲۵؛ عاملی، ۱۳۸۸، ۲۱/۱۴).

قرآن کریم نیز، رابطه زن و شوهر را به لباس تشبیه کرده که نشانه‌ای از نزدیکی و حمایت متقابل آن‌ها در زندگی مشترک است (بقره: ۱۸۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ۱/۱۷۴). رفتار جنسی نه تنها از لحاظ جسمی، بلکه از نظر روانی نیز تأثیرات مهمی بر انسان دارد. رابطه زن و شوهر تأثیرات

مستقیم و غیرمستقیمی بر روابط خانوادگی و سلامت روان اعضای خانواده دارد. عدم توجه به این مسئله می‌تواند سلامت روانی خانواده را به خطر اندازد (سالاری فر، ۱۳۹۰، ۲۸۹ تا ۲۹۲). از این رو، در مسئله تعدد زوجات باید عدالت در این زمینه نیز، رعایت شود.

این مطالب به‌وضوح نشان می‌دهد که مؤلفه‌های اصلی عدالت در تعدد زوجات، تأکید بر عدالت در برابر ظلم است و نه عدالت در برابر فسق. به عبارت دیگر، اصلی‌ترین اهمیت در اینجا، پایبندی به عدالت در تعاملات مالی، حقوقی و رفتاری با همسران است تا از هرگونه ظلم و بی‌عدالتی جلوگیری شود. قرآن کریم به‌منظور جلوگیری از سوءاستفاده از چندهمسری، به‌عنوان ابزاری برای برآورده کردن شهوت مردان و جلوگیری از ظلم و تعدی به حقوق زنان، شرط عدالت را در تعدد زوجات قرار داده و مردان را از ظلم و بی‌عدالتی در حق زنان نهی فرموده است (نساء/۳). طبق آیه ۳ سوره نساء، انتخاب یک همسر، به عدم تجاوز به حقوق و عدالت نزدیک‌تر است و نشان‌دهنده این است که اساس تشریع ازدواج بر اصول عدالت و احترام به حقوق استوار است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶۹/۴). از این رو، برخی از اندیشمندان مسلمان، تک‌همسری را به‌عنوان اصل ترجیح داده و چندهمسری را به شرایط خاص اجتماعی مرتبط دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۸: ۴/۶؛ اردبیلی، بی‌تا: ۵۰۹).

به‌طور کلی، به نظر می‌آید که تک‌همسری، بهترین روش ازدواج است؛ با این حال، سیره عملی ائمه معصومین نشان می‌دهد که می‌توان در ازدواج چندگانه نیز به مطلوبیت دست یافت. تعدد زوجات به‌جز امتیازی که به مرد می‌دهد، مسئولیت‌هایی را نیز برعهده او می‌گذارد مانند اداره خانواده‌ای دیگر، حفظ عدالت و... این نکته هماهنگ با اطلاعات موجود در روایات است که همسران را مسئول رفتار نامناسب زن می‌شمارند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸۱/۱۴).

۳. نتیجه‌گیری

این تحقیق، با هدف بررسی ماهیت عدالت در زمینه تعدد زوجات و تأثیر آن بر روابط خانوادگی از منظر فقه اسلامی انجام شده است. مسئله تحقیق، بررسی ابعاد فقهی و اخلاقی عدالت در رابطه با تعدد زوجات و چگونگی تحقق آن در چارچوب احکام شرعی است. تحقیق

حاضر بر این باور است که عدالت در این زمینه نه تنها به عنوان یک اصل فقهی مطرح است، بلکه نقش حیاتی در تنظیم روابط و حفظ حقوق زوجین دارد.

عدالت به این معناست که هرگونه رفتار و تصمیم‌گیری در رابطه با تعدد زوجات، باید بر پایه رعایت تساوی در حقوق مالی، عاطفی و اخلاقی همسران باشد. اهمیت این مسأله از آن رو است که رعایت عدالت می‌تواند از بروز آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی جلوگیری کند، در حالی که عدم رعایت آن منجر به اختلافات و چالش‌های گسترده در روابط زناشویی می‌شود. از سوی دیگر عدم توجه به اصول فقهی و اخلاقی عدالت در تعدد زوجات، می‌تواند به عدم تعادل در حقوق همسران و در نهایت شکل‌گیری نابرابری‌ها و سوءاستفاده‌های احتمالی منجر شود. نتایج این تحقیق تأیید می‌کند که چارچوب‌های موجود برای اجرای عدالت نیازمند دقت بیشتری در تدوین احکام و نظارت بر اجرای آن‌ها هستند. به‌ویژه در زمینه حقوق مالی و عاطفی، باید شرایط خاصی به‌طور دقیق رعایت شود تا مانع از بروز مشکلات خانوادگی و اجتماعی شود.

در نهایت برای دستیابی به الگوی شایسته و منصفانه در تعدد زوجات، تبیین کامل‌تر و اجرای دقیق‌تر چارچوب‌های فقهی و اخلاقی ضروری است؛ در این مسیر، توجه به تمامی ابعاد عدالت، از جمله حقوق مالی، عاطفی و اجتماعی، باید به عنوان اصول بنیادین در روابط خانوادگی مدنظر قرار گیرد تا علاوه بر حفظ حقوق همه اعضا، از بروز مشکلات اجتماعی جلوگیری شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.

* نهج البلاغه، شریف رضی. تصحیح: صبحی صالح. بی‌تا.

الف) کتاب

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۳. اردبیلی، احمد بن محد (بی تا). *زبدة البیان فی احکام القرآن*. تحقیق: محمدباقر بهبودی. تهران: المکتبه الجعفریه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۴. انصاری زکریا، فتح الوهاب (۱۴۱۸ق). *منشورات محمدعلی بیضون*، دار الکتب العلمیه.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش). *تفسیر تسنیم*، قم: اسراء.
۶. خوانساری، سیداحمد (۱۴۰۵ق). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: اسماعیلیان.
۷. حر عاملی. محمد بن حسن (۱۳۷۴). *وسائل الشیعه*، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۲ش). *مفردات الفاظ قرآن و اخلاق*، ترجمه: مصطفی رحیمی نیا. انتشارات مرتضوی.
۹. ----- (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، محقق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار الشامیه.
۱۰. رضی (بی تا). *حقائق التأویل فی متشابه التنزیل*، بیروت: دار المهاجر.
۱۱. سالاری فر، محمدرضا؛ شجاعی، محمدصادق؛ موسوی اصل، سیدمهدی و محمد دولتخواه (۱۳۹۰ش). *بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۴۱۹ق). *کتاب نکاح*، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۱۳. شیخ انصاری (۱۴۱۲ق). *رسائل فقهیه*، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۴. شیخ طوسی (۱۳۴۳ش). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، ترجمه: محمدتقی دانش پژوه. تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. صدر، حسن (بی تا)، *حقوق زن در اسلام و اروپا*، تهران: جاویدان.
۱۶. صدر، سیدمحمد (۱۴۲۰ق). *ماوراء الفقه*، مصحح: جعفرهادی دجیلی. بیروت: دار الاضواء.
۱۷. صفایی، سیدحسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۷۶ش). *مختصر حقوق خانواده*، نشر بنیاد حقوق میزان.

۱۸. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (بی تا). *ریاض المسائل*. قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. ----- (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). *مکارم الأخلاق*، قم: الشریف الرضی.
۲۲. ----- (۱۴۱۵ق). *مجمع البیان*، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
۲۳. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرین*، تصحیح: سیداحمد حسینی اشکوری. تهران: مرتضوی.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*، قم: دار الثقافة.
۲۵. ----- (۱۳۸۸ق). *المبسوط فی فقه الامامیة*، تحقیق: محمدباقر بهبودی. تهران: المکتبه المرتضویه.
۲۶. ----- (۱۴۰۰ق). *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*، بیروت: دار الكتاب العربی.
۲۷. ----- (۱۴۰۷ق). *الخلاف*، محقق: علی خراسانی و دیگران. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. ----- (۱۴۰۹ق). *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد حبیب قصیر. مکتب اعلام اسلامی.
۲۹. ----- (بی تا). *المبسوط فی فقه الامامیة*، تصحیح: سیدمحمدتقی کشفی. تهران: المکتبه المرتضویه.
۳۰. عسکری، ابوهلال (۱۴۱۲ق). *الفروق اللغویه*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳۱. علامه حلی (۱۳۸۸ق). *تذکرة الفقهاء*، مکتبه المرتضویه.
۳۲. علامه حلی؛ محقق کرکی (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد*، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۳۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای. قم: هجرت.

۳۴. فضل الله، محمدحسین (۱۳۸۴ش). *اسلام، زن و جستاری تازه*، ترجمه: مجید مرادی. قم: بوستان کتاب.
۳۵. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*، تحقیق: حسین اعلمی. تهران: صدر.
۳۶. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم: هجرت.
۳۷. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق). *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
۳۸. ----- (۱۳۶۴ش). *الجامع لاحکام القرآن*، تهران ناصر خسرو.
۳۹. قطب، سید بن قطب (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار الشروق.
۴۰. قطب، سید محمد (۱۳۵۲ش). *عدالت اجتماعی در اسلام*، تهران: انتشار.
۴۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵ش). *حقوق مدنی: خانواده*، تهران.
۴۲. کاشانی، ابوبکر بن مسعود (۱۴۰۹ق). *بدایع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، پاکستان: المكتبة الحبییه.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامی.
۴۴. کوکب، محمد (۱۳۹۸ش). *عدالت به روایت مطهری*، تهران: صدرا.
۴۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۶. محقق حلی (بی تا). *المختصر النافع*، بیروت: دار الاضواء.
۴۷. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مومن (بی تا). *کفایة الأحکام*، اصفهان: مهدی.
۴۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶ش). *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۹. ----- (بی تا). *پرسش ها و پاسخ ها*، مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۵۰. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸ش). *آشنایی با علوم اسلامی*، قم: انتشارات صدرا.
۵۱. ----- (۱۳۷۲ش). *مجموعه آثار*، قم: انتشارات صدرا.
۵۲. ----- (۱۳۷۴ش). *عدل الهی*، تهران: انتشارات صدرا.
۵۳. ----- (۱۳۷۸ش). *یادداشت های استاد شهید مطهری*، تهران: صدرا.
۵۴. ----- (۱۳۹۱ش). *حقوق زن و مرد از دیدگاه اسلام؛ ازدواج موقت و تعدد زوجات*، تهران: دبیرخانه بینش مطهر.

۵۵. ----- (۱۳۹۷ش). *عدالت از منظر امام علی (علیه السلام)*. تهران: انتشارات صدرا.
۵۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۷. ----- (۱۳۹۸ش). *یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۸. ----- (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۹. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، محقق: عباس قوچانی و علی آخوندی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۷ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: بی نا.
۶۱. نوری، محمد اسماعیل (۱۳۷۸ش). *آشنایی با فقه*، قم: احسن الحدیث.

ب: مقالات

۶۲. اشتری، بهناز (۱۳۸۳ش). *نهاد چندهمسری؛ ضرورت های بازنگری*، ماهنامه حقوق زنان، ش ۲۴.
۶۳. امامی، مسعود (۱۳۹۲ش). *رعایت عدالت در تعدد زوجات*، مجله فقه، ش ۷۸، ص ۴-۲۲.
۶۴. بشیریه، حسین (۱۳۷۱ش). *میزگرد برابری و نابرابری*. نامه فرهنگ، ش ۳، ص ۴-۳۰.
۶۵. سرحدی نسب، نرجس خاتون (۱۳۹۷ش). *راهبردهای نظام فقهی حقوقی خانواده در تحقق اصل عدالت*، سومین همایش بین المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی همدان.
۶۶. شمس، خلیل؛ جعفری، محمدحسین (۱۳۹۴ش). *عدالت حقوقی نسبت به زن در خانواده از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی*، دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق میبد.
۶۷. فیروزی، مهدی؛ عظیمی، زهرا (۱۳۹۵ش). *تناسب احکام با طبیعت و فطرت مبنایی برای عدالت در حقوق خانواده*، مجله فقه، دوره ۲۳، ش ۶۷، ص ۷۱-۹۹.
۶۸. هزارجریبی، زهرا (۱۳۹۰ش). *بررسی عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن*، مجله جامعه شناسی کاربردی، دوره ۲۲، ش ۳، ص ۴۱-۶۲.